



دوره هفتم تقنینیه

جلسه	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره
۸۵		۸۵
تاریخ تأسیس آذر	مندرجات	قیمه اشراك
۱۳۰۵	فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی	داخله ایران سالیانه ده تومان
جلسه یکشنبه ۱۷	خواهد بود	خارجه « دوازده تومان
آذر ماه ۱۳۰۸	پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود	قیمه تك شماره
مطابق ۶ رجب	مطبوعه مجلس	يك قران
۱۳۴۸		

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۱۷ آذر ماه ۱۳۰۸ * (۶ رجب ۱۳۴۸)

تصویب مذاکرات

۳) بقیه مذاکره در لایحه کمک خرج محصلین
۴) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

تصویب صورت مجلس
تصویب دو فقره مرخصی

مجلس یکساعت و چهل دقیقه قبل از ظهر برباست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس روز پنجشنبه ۱۴ آذر ماه را آقای اورنگ شیخ الملکی (منشی) قرائت نمودند * * *

رئیس -- آقای فیروز آبادی	غایب بی اجازه نوشته بودند لازم است بعرض برسالم که ایشان جلسه گذشته کسالت داشتند کسب اجازه هم از مقام ریاست کرده بودند
رئیس -- آقای دهستانی	رئیس -- در صورت مجلس نظر دیگری نیست؟ (خیر)
دهستانی -- در صورت مجلس آقای میرزا یانس را	صورت مجلس تصویب شد.

* عین مذاکرات مشروح هشتاد و پنجمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه باستثناء مذاکرات قبل از دستور (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵) دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است : غائبین با اجازه - آقایان : شبرانی - حسنعلی میرزا دولتشاهی -
 حسین خان دیبا - ملک آرائی - محطیبی - امیر ابراهیمی - محمود رضا - فراگوزلو - زوار - دکتر سنک - آشتیانی - بیات ماکو -
 بلو - لرستانی - ملک مدنی - اورنگ - ارباب کبخسرو - تیور تاش
 غائبین بی اجازه - آقایان : مرزا حسنخان وثوق - آصف - اعظم - حاج میرزا حبیب الله امین - قوام - میرزا یانس -
 رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک
 دیر آمدگان با اجازه - آقایان : نجومی - انجمنی - حکمت
 دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : شریعت زاده - اسدی

[۲ - تصویب دو فقره مرخصی]

رئیس - دو فقره خبر از طرف کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده است قرائت میشود :

۱ - نماینده محترم آقای آقازاده سبزواری بر اثر کسالت مزاج که برای روز انقضای مدت مرخصی نتوانستند حاضر شوند از تاریخ ۲۷ شهریور الی ۱۶ آبان ماه تقاضای مرخصی نموده و حقوق این مدت را برمرضخانه جدیدالبنای نماینده محترم آقای فیروز آبادی در زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم علیه التعمیم تخصیص داده اند که بتوسط آقای فیروز آبادی بمصرف برسد کمیسیون عرایض و مرخصی با تقدیر عاطفه نوع پروری نماینده معظم الیه با تقاضای ایشان موافق اینک خبر آنرا تقدیم میدارد

رئیس - آقای افسر موافقید ؟

افسر - بلی

بیات - خود آقای فیروز آبادی مخالفند

رئیس - مخالفی ندارد ؟ (خیر) آقایان موافقین

قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

۲ - نماینده محترم آقای موقر برای رسیدگی بامورات محلی از تاریخ حرکت دو ماه تقاضای مرخصی کرده بودند کمیسیون چهل و پنجروز آنرا تصویب و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد.

رئیس - آقای وثوق

وثوق - عرضی ندارم.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده با کمال اخلاصی که به آقای موقر داشته و دارم و الحق يك آدم جدی وطنخواهی اورا میدانم و آدم مسلمانی است خدا میداند ولی باوجود این چون عقیده خودم این است که وجهی که از این مرخصی ها گرفته میشود اگر بمصرف خیر نرسد لازم نمی دانم خودم لافلاقی با این مرخصیها موافقت بکنم. هرچند

میدانم ایشان در مقام خودش آدم خوبی است آثار خوبی هائی شنیدم دارند و میدانم باوجود این عقیده دارم که انشاءالله در این مجلس که میخواهد اساس مفتخوری براندازد انشاءالله باید خود ماها اقدام کنیم این وجه را ما تمامش را یا نصفش را یاثلثش را یا ربع یااعشرش تخصیص بکار خیری بدهیم اگر داده نشود بنده مخالفم

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - آقای فیروز آبادی بایستی تصدیق بفرمایند که هر يك از نمایندگان محترم به طیب خاطر در موافقت که مقدورشان است رویه که مطبوع طبع آقای فیروز آبادی است عمل کرده و میکنند و به طبیعت و ابگزار این معنی را هر يك از آقایان البته در مواقعی که مقدورشان بود کرده اند و بعد هم خواهند کرد آن موقر در این ضمن يك گرفتاریهائی داشته اند که آن گرفتاریها گرفتاریهای نوعی است ما در خارج این مسائل را مسبوقیم آن گرفتاریها شخصی نیست و البته به طبیعت که واگذارند زیننده تر و بهتر است زیرا تراکمی شایسته تر است این را موافقت بفرمائید که بهمین ترتیب که متعارف بوده است قضیه خانه پیر کرده باشد

رئیس - موافقین بامرخصی آقای موقر قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

[۳ - بقیه مذاکرات در لایحه کمک خرج محصلین]

رئیس - لایحه کمک خرج محصلین مطرح است و دوم قرائت میشود :

ماده دوم - اعطاء کمک خرج موکول بشرايط ذیل است :
 ۱ - عدم بضاعت محصلین ۲ - در صورتیکه عده ۱۵ نفر تجاوز کرد حق سبقت برای کسانی است که معدل نمره های امتحانات نهائی آنها در دوره کمال متوسطه بیشتر بوده باشد و در صورت تساوی نمره بقرعه انتخاب خواهند شد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا خواستم از آقای معاون سؤال کنم نوشته است اعطاء کمک خرج موکول به شرايط ذیل است : اول عدم بضاعت محصلین . مناط عدم بضاعت محصلین را چه قرار داده اند که محقق این مسئله است و از کجا این را تشخیص میدهند شاید مثلاً میفرمائید از کیساریا تصدیق می آورد یا از فلان اینها را ادبگر میدانم حالا خواستم بدانم که نظر خود وزارتخانه چه بوده است . عدم بضاعت محصلین يك معنای خیلی خوب دارد که بنده کاملاً موافق هستم اما این مفهوم مطابق با مصداق واقع شود چه جور در نظر میگیرند این را بفرمائید .

معاون وزارت معارف (آقای فرخ) - آقا تصدیق می فرمایند که این موضوع يك موضوعی نیست که بشود زیاد درش از نقاط نظری حرف زد البته بقدری که موجبات اطمینان حاصل شود که قانون رعایت شده گاهی کیساریا است گاهی اشخاصی که طرف اطمینان هستند گاهی خود وزارتخانه ولي البته طوری که روح قانون اجرا شده باشد .

رئیس - آقای زوار

زوار - عرضی ندارم .

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده هم حالا عرضی ندارم

رئیس - موافقین با ماده دوم قیام فرمایند (اکثر

برخاستند) تصویب شد . ماده سوم قرائت میشود :

ماده سوم - دارندگان دیپلم لیسانس مدرسه دارالمعلمین عالی مشمول مواد ۶۶ و ۶۷ و ۷۳ قانون استخدام کشوری نخواهند بود و دولت مکلف است فارغ التحصیلهای آن مدرسه را که باخذ دیپلم لیسانس نایل آمده اند بدون طی خدمت ابتدائی با رتبه ۴ اداری بخدمت

معلمی بپذیرد و نیز میتواند تا رتبه ۶ اداری آنها را پس از توقف دو سال در يك رتبه برتبه بالاتر ارتقاء دهد .

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - در ماده سه با چند قسمت مخالفم و دیگر اینکه ماده سه و چهار بنظر بنده با هم متناقض میاید زیرا در ماده سه دولت را مکلف میکند که بدون طی خدمت ابتدائی فارغ التحصیلهای مدرسه دارالمعلمین عالی را بخدمت بپذیرد با رتبه چهار اداری یعنی از مدرسه که بیرون آمدند آنها را رسماً و با حقوق برتبه چهار بخدمت بپذیرد در ماده بعد میگوید که مکلف است آنها را ۶ ماه نگاهدارد و بدون حقوق باشند اگر در ششماه نانی شغلی به آنها رجوع نشد آنوقت حقوق رتبه چهار بدهند اگر در آخر سال هم خدمتی به آنها رجوع نشد معاف بداند پس در اینجا ماده سه مدت خدمت ابتدائی را از آنها منع میکند که خدمت ابتدائی بی حقوق بآنها رجوع نشود در صورتیکه در ماده بعد میگوید ششماه مدت خدمت بی حقوق بآنها رجوع میشود ششماه هم حقوق بی خدمت داده میشود . دیگر اینکه اینجا معین کرده اند که در ابتدای خدمت با رتبه چهار استخدام شوند البته برای تشویق و ترغیب اشخاص بشغل معلمي و برای حاضر شدن بخدمت خیلی خوب است لکن آیا ممکن نیست که يك عده شاگردی از مدرسه دارالمعلمین بیرون بیایند و خیلی هم خوب امتحان بدهند در قسمت تئوری معلوماتی را که امتحان میدهند ولی نتوانند معلمي کنند وقتی داخل شغل معلمي شدند آن صفات لازمه شغل معلمي در آنها نباشد . غالباً خدمت ابتدائی را وقتی که معین میکنند برای تشخیص این قسمت است که آیا شخص متصدی لایق و قابل این شغلی که باو رجوع میشود هست یا نیست . در ادارات هم ممکن است يك اشخاصی خیلی خوب از عهده امتحانات لازمه آن شغل برآیند و لکن در عمل نتوانند انجام خدمت نمایند عکس آن هم ممکن است بنا بر این بنده برای اینکه جمع بین منظور

همه آقایان شده باشد اینطور در نظر گرفتیم که اولاً کلیه شاگردان فارغ التحصیل مدرسه دارالمعلمین عالی را همین طور که اینجا معین کرده اند دولت مکلف باشد به محض اینکه امتحان داده اند بعد از امتحان با عنوان معلمی آنها را بپذیرد یعنی از این ساعت که از مدرسه بیرون می آیند جزو معلمین رسمی وزارت معارف شناخته شوند و تا شش ماه هر کدام از آنها که متدرجاً داخل خدمت شدند و خدمتی با آنها رجوع شد حقوق با آنها بدهند حقوق را ما معادل کنیم با حد اکثر حقوق رتبه سه اداری تقریباً ماهی شصت تومان و البته یک کسی که از مدرسه بیرون می آید امتحان داده است وقتی که داخل شد در کار و شصت تومان حقوق گرفت این نهایت مساعدت است بعد از یکسال که در خدمت با رتبه سه اداری با اخذ حقوق کار کرد اگر خدمت او رضایت بخش بود آن وقت رتبه چهار را با او بدهند در هر حال یک سال استاز با حقوق باشد اگر خوب شد بعد باو حقوق رتبه چهار می دهند و اگر خوب نشد مرخص می کنند و اگر در شش ماه اول خدمتی باو رجوع نشد یا اینکه در آخر سال خدمت رضایت بخش نبود آنوقت میتواند از وزارت معارف برود در ادارات دیگر شغلی پیدا کند مطابق تبصره ماده سه قانون اعزام محصلین باروبا. اینجا هم رعایت استاز شده است هم رعایت حقوق و هم رعایت مساعدت با اشخاص و یک تکلیف حقوق زیادی هم برای دولت نیست و این است پیشنهادی که من کرده ام و تقدیم مقام ریاست می کنم.

نخبر -- (آقای دکتر طاهری) فرمایش آقای فیهمی بعقیده بنده اصلاً محلش در ماده چهار بود برای اینکه این ماده برای این است که تعیین رتبه میکند برای معلمینی که از دارالمعلمین خارج میشوند اما اینکه با ماده بعد تناقض دارد یا نه هر وقت که ماده بعد بیاید تناقض را بفرمائید هنوز ما در این ماده هستیم که

میگوید معلمینی که از دارالمعلمین بیرون می آیند دولت آنها را رتبه چهار می پذیرد. عرض میشود در قانونی که برای اعزام محصلین بخارج تصویب شد در دوره ششم ما برای تمام اشخاصی که دیپلمه بشوند و دارای دیپلم لیسانس باشند به بالا ما تصویب کردیم که هر وقت بخواد به رتبه سه پذیرفته شود در قانون اعزام محصلین برای تمام دیپلمه ها این را تشخیص دادیم حالا وزارت معارف برای اینکه معلمین را میخواد تشویق کند برای اینکه شغل معلمی زحمتش زیاد تر است و داوطلبش کمتر است امتیازی که برای معلمین قرار داده این است که اگر از دارالمعلمین عالی دیپلم گرفتند اینها را به رتبه چهار بپذیرد مفاد این ماده فقط این است بدون اینکه رعایت مواد قانون استخدام راجع به این مستخدم برود بخدمت بشود اینها را با رتبه چهار بپذیرد حالا چه وقت آنها را بپذیرد این مربوط به بعد است که ماده چهارم است مقصود از این ماده این است برای اینکه اینها تشویق بشوند لازم نیست که مواد قانون استخدام رعایت بشود و نیز تبصره ماده سوم قانون اعزام محصلین بخارج در باره اینها رعایت نمیشود و یک رتبه اضافه باینها داده میشود اما اینکه میگویند ممکن است لیاقت نداشته باشند این را در ماده چهار میگوید که نوشته شده است برای این است که اگر چنانچه اینها لیاقتشان محرز نشد با همان رتبه سه که سایر دیپلمه ها را ممکن است بخدمت بپذیرند بخدمت وارد میشوند در ادارات دیگر بعقیده بنده این ماده سه که دادن رتبه چهار باشد محصلی که از دارالمعلمین عالی بیرون می آید و یک رتبه اضافه باو داده شود عیب ندارد. فقط اشکالی که هست این است که اگر چنانچه این محصل رفت بخارج جزو محصلین اعزامی و چندین سال ماند بر طبق این قانونی که گذشته است محصلی که مراجعت میکند رتبه سه دارد و این را

معین کرده ایم که اگر حالا وارد خدمت بشود رتبه چهار دارد این را ممکن است آقایان پیشنهاد بکنند که این معنی که بخارج رفت جزو شاگردان اعزامی در مراجعت همان رتبه چهار داشته باشد.

کازرونی - پنج هم ممکن است.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - اشکالی که بنده در این ماده داشتم بخواهم برای قسمت اخیر فرمایشاتشان تذکر بدهم و بنده برای این که خاطر محترم آقایان را نااندازه مستحضر کرده باشم ناگزیر هستم که یک قسمتی را هم عرض کنم در جلسه گذشته در جواب اعتراضی که بنده در باب فارغ التحصیل های مدارس فنک کردم اینطور اظهار شد کسانی که دارالمعلمین عالی ایران را دیده اند از نظر اینکه در ادبیات ایران بیشتر تحصیل میکنند و مطلع تر میشوند وجودشان برای مدارس ما نافع تر است و مفید تر است البته بنده تصدیق دارم اگر چنانچه فارغ التحصیلیهای مدرسه دارالمعلمین ایران پس از تکمیل تحصیلاتشان در فن ادبیات معلم باشند وجودشان مفید تر است ولی چون دارالمعلمین عالی ایران شعب متعددی دارد منحصر به شعبه ادبیات نیست شعبه طبیعیات دارد شعبه ریاضیات دارد و بنده نمیتوانم قبول کنم اشخاصی که در رشته طبیعیات ورشته ریاضیات در دارالمعلمین ایران تحصیل میکنند معلوماً نشان بیشتر باشد از اشخاصی که در دارالمعلمین اروپا تحصیل کرده باشند چرا برای اینکه اولاً کسانی که در مدارس دارالمعلمین عالی اروپا پذیرفته میشوند کسانی هستند که در ایران دوره تحصیلات متوسطه شان را تمام کرده باشند اشخاصی که بخارج اعزام میشوند تصدیقاً دوره کامل متوسطه را دارند و علاوه یک امتحانی هم در موقع سابقه میدهند آنها بزبان مادری خودشان بزبان ایرانی فکر کافی آشنا هستند و بعد که بروند آنجا با وسایل کافی که در اروپا برای رشته ریاضیات رشته طبیعیات

خصوصاً مهمی است آنها تحصیلاتشان بعقیده بنده در این رشته ها بهتر است از آن کسانی که در دارالمعلمین طهران تحصیل میکنند برای اینکه متأسفانه هنوز آن اندازه که برای تحصیلات شیمی و فیزیک لا براتوار کافی لازم است نداریم داریم ولی باید تصدیق کنیم هنوز آن اندازه که در مدارس عالی اروپا اسباب برای عملیات شیمیایی و فیزیک است در مملکت ما نیست چون اینطور نیست و بعهده زیادی هم از کسانی که از دارالمعلمین های اروپا فارغ التحصیل میشوند و بر میگردند در رشته ریاضیات و طبیعیات معلمی خواهند کرد نه در رشته ادبیات که بگوئیم آنها را که در ایران تحصیل کرده اند وجودشان مفید تر است باین جهت بنده عرض میکنم اشخاصی که وجودشان برای معلمی در طبیعیات و ریاضیات مفید تر است دلیل و منطق ندارد که آنها در موقع ورود بخدمت با رتبه سه وارد شوند و اشخاصی که در ایران تحصیل میکنند و در این رشته ها معلمی می کنند با رتبه چهار. این است که پیشنهادی هم بنده تقدیم کرده ام که اشخاصی که از دارالمعلمین عالی اروپا فارغ التحصیل میشوند آنها هم مثل شاگردان دارالمعلمین مدرسه ایران با رتبه چهار در بدو خدمت پذیرفته شوند.

معاون وزارت معارف - بنده برای اینکه وقت مجلس را زیاد تکمیل اجازه میخواهم برای روشن شدن ذهن آقایان در این قسمت یک قدری توضیح بدهم. این تناقض را آقای فیهمی تصور فرمودند در این دو ماده وجود دارد بنده برای اینکه در ماده بعد هم زیاد صحبت نشود خاطر مبارکشان را متوجه میکنم که این تناقض نیست. ماده سه معین میکند که شغل معلمی که از دارالمعلمین عالی بیرون آمد در بدو ورود بخدمت رتبه چهار است. در ماده بعد هم میگوید اگر ۶ ماه بیکار ماند آنوقت در قسمت دوم باو حقوق انتظار خدمت داده میشود. چرا؟ زیرا آقایانیکه خاطر مبارکشان به ترتیب امتحانات مستحضر است میدانند که در پانزدهم خرداد

امتحانات شروع میشود بعضیها تجدید میشوند. تجدیدیها در مهر ماه شروع می کنند با امتحان دادن. مدارس ابتدائی و متوسطه در پانزدهم شهریور شروع میکنند بمعمل ممکن است در پانزدهم شهریور معلمین همه جایجا شده باشند و محلی باقی نباشد برای آخر مهر ماه که امتحانات تجدیدی شاگردها میشود و مجبوراً این می ماند تا اول فروردین تا اینکه يك جائی پیدا میشود یا اینکه می ماند تا پانزدهم خرداد سنه آتی از این نقطه نظر در ماده چهارم آن قید را کرده ایم ، بنا بر این تناقضی نیست اما راجع باینکه نظر آقای فهیمی این است که باین فارغ التحصیل ها رتبه سه داده شود. بلی اگر در قانون سابق برای سایر لیسانسیه ها رتبه دو قائل میشدیم آن وقت شاید بنده با این ترتیب موافقت میکردیم که باینها رتبه سه داده شود ولی وقتی که ما برای لیسانسیه های سایر مشاغل رتبه سه قائل شده ایم امروز بنده از مقام مقدس مجلس شورای ملی استدعا میکنم که بشغل معلمی همان مقامی که جائز است بدهند (نمایندگان - صحیح است) زیرا معلم چنانچه بنده در جلسه قبل هم عرض کردم غیر از مستخدم اداری است معلم باید شب مطالعه کند و روز بیاید مباحثه کند. ولی یک نفر مستخدم اداری صبح میآید پشت میز قلمش را دست میگردد و کار میکند و در ساعت معین هم می رود بی کارش. ولی معلم باید شب را مطالعه کند باین جهت ما نمیتوانیم همان رتبه سه بسایر لیسانسیه ها از قبیل مهندس و حقوق دان قائل میشویم همان را برای لیسانسیه های در شغل تعلیم و تربیت هم قائل شویم. و بنده از آقای فهیمی استدعا میکنم که این قسمت پیشنهاد خودشان را پس بگیرند. زیرا به عقیده بنده اگر این ماده نباشد این لایحه اصلاً روح ندارد. (بعضی از نمایندگان - صحیح است) در قسمت فرمایشات آقای احتشام زاده هم توضیح نمیدهم فقط يك قسمت عرض میکنم چون مقصود حاصل است زیادی کلام

بهم تمام امورات را روی این قانون قرار دهم آنوقت رتبه را هم نسبت ببعضی ها سه و در بعضی جاها چهار بدهیم بنده بنده این ظلم فوق ظلم است. تشویق بیول دادن نسبت آدمهای عاقل و صحیح و با شرافت و متدین بیول تشویق نمیشوند. تشویق آنها باقسام دیگر است. بلی. شخصی هستند که اگر صد دینار زیادتر بانها بدهی خوششان میآید و اگر صد دینار کمتر بدهی میرنجند ولی این ها کند و امیدوارم در مملکت زیاد نباشند در هر حال باید رعایت تناسب را نمود. خوب. این کسی که در مدرسه خوانده. اولاً وقتیکه میروند تحصیل میکنند با خرج دولت است. خرج تحصیل و خرج معلم و همه چیزش با دولت است و از دسترنج این ملت است. پس وقتی که از دسترنج بیول ملت میروند و کمالاتی یاد میکنند. (بجهت اینکه تحصیلات او از دولتی سر ملت است نه از مال خودش) این را آنوقت بیایند رتبه چهار بدهند بنده صلاح نمیدانم بلکه همان رتبه سه که قائل شده اند بجهت اینها هم درست قائل شوند. عقیده خودم که رتبه يك ردواست حالا آن هیچ و فرضاً که عقیده من باطل ام خودتان صاف بدهید که آیا سزاوار است که این مملکت و این ملت که غالب مردمش نان ندارند این پول هارا بدهند. صدیق بنده را کسی میکند که با مردم حشر داشته باشد. شخصی که میروند و از مال این ملت تحصیلات میکنند از اول که میآیند چرا باید رتبه چهار بآنها داده شود. بنده این را عقیده ندارم. علاوه بر این این مسئله اخلاق است خوری را تقویت میکند از روز اول بیایند هشتاد تومان یا زیاد تر بگیرند این آدم اگر خودش منصف باشد صدیق میکند که برای این ملت سزاوار نیست. یکچنینی که این تصدیق را نکنند چطور معلم دیگران میشود. وقت آنها را هم تشویق میکند به مفت خوری و زیاد نفوذ گرفتن - (دکتر عظیمی آقا معلمی مفت خوری است) بنده باین ملاحظات مخالفم. و عقیده دارم بآن شخصی هم که از دارالمعلمین ایران بیرون میآیند همان رتبه داده شود نه رتبه چهار. باین ملاحظات بنده مخالفم.

مخبر - آقای فیروز آبادی همیشه حال چانه زدن را دارند. مخصوصاً در بعضی جاها صرفه جوئی مضر است. چیز خوب هم همیشه گران است. معلم ممکن است مکتب دار باشد ولی اوسواد ندارد ولی اگر این معلم کسی باشد که چندین سال تحصیل داشته باشد مرتباً از شش سالگی تحصیل میکند و هر وقت که رفوزه شده دو مرتبه بر میگردد در کلاس پائین تر و با این قسمت يك تحصیلاتی میکند و بعد هم عمر خودش را صرف این میکند که بدیگران هم يك تعلیماتی بدهد و این خودش يك زحمت فوق العاده است البته معاشش باید تأمین شود و طوری باشد که عائله اش راحت باشند و فکر خودش هم راحت باشد و باین آدم نمی شود گفت که نان خالی بخور و بیا معلمی کن مگر مجبور است که بیاید این کار را بکند اینک فرمودید خوب است درباره آنها هم رتبه سه قائل شويد رتبه سه حالا هم دارند بر طبق قانونی که سال گذشته از تصویب مجلس گذشته حالا هم اشخاصی که از دارالمعلمین بیرون میآیند رتبه سه پذیرفته می شوند ولی چون شغل معلمی يك کار پر زحمتی است و کسی بر این کار حاضر نمیشود برای اینکه حاضر شوند و داوطلب این کار زیاد باشند این ترتیب مقرر شد که برای دیگران یعنی برای سایر لیسانسیه ها و دیپلمه ها رتبه سه قائل شده اند که پنجاه و سه تومان باشد و برای کسانی که از دارالمعلمین ایران بیرون میآیند رتبه چهار قائل شده اند که شصت و هشت تومان باشد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

آقا سید یعقوب -- مخالفم

رئیس -- بفرمائید در کفایت مذاکرات

آقا سید یعقوب -- نه آقا بنده در کفایت مذاکرات عرضی ندارم در اصل مطلب هم عرایض دارم (همه) نمایندگان (اجازه بدهید عرایضی دارم عرض کنم

رئیس -- آقا چون فرمودید مذاکرات کافی نیست

لهدا راجع بعدم کفایت مذاکرات بفرمائید

فائده ندارد. بنده که در جلسه سابق عرضی کردم ترتیب راجع بمعلمی دارالمعلمین را مقصودم این نبود که از نقطه نظر يك نفر معلم طبیعیات یا ریاضیات مقایسه کرده باشم بلکه من جمیع الجهات عرض میکنم يك نفری که از اروپا لیسانسیه میشود و از دارالمعلمین آنجا بیرون میآید و فقط مزیت غربی را دارد بدون داشتن مزیت شرقی و حال آنکه معلمی که از دارالمعلمین ایران بیرون میآیند مزیت غربی را دارند با مزیت شرقی باینجهت از نظر فن تعلیم و تربیت و از نظر معلمی و زارن معارف این را مقدم میدارد ، اما ما در اینجا منافع الخیرم نیستیم حالا که آقایان نظرشان این است که به لیسانسیه های اروپا هم رتبه چهار داده شود نسبت بآنها یکبشغل معلمی در وزارت معارف خدمت میکنند بنده هم از طرف دولت قبول میکنم که بآنها هم رتبه چهار داده شود. (یاسائی - حالا درست شد) (کاز رونی چی چی در سن شد ؟) (همه) صدای زنگ ...

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی -- بنده همیشه عرض کرده ام و میکنم که در مملکت باید رعایت تناسب بشود بین افراد خاص و مخدوم ، بین رعیت و آن کسی که جهت رعیت و ملت کار میکند. بنده بعقیده خودم آن قانون استخدام گذشته را يك قانون غیر منصفانه و ظالمانه میدانم بجهت اینکه این يك قانونی است که رتبه نهش سیصد و دوازده تومان حقوق دارد. و در قسمت عدلیه که میرسد چهار صد و فلانقدر حقوق دارد و بنده این مبلغ حقوق را بی تناسب و مضر بحال این مملکت و ملت میدانم. حالا ما آمده ایم و این چیزی که خیلی بی تناسب است در این جا ما میخواهیم عمومیت بدهیم آن قانون دیگر مردم را تشویق نمیکند که بروند عقب تحصیل و چیز یاد بگیرند فقط مدت را در کار مدخلیت میدهد و دیگر هیچ چیز را مدخلیت نمیدهد آن يك قانون ظالمانه و غیر منصفانه است که امیدوارم يك وقتی این قانون بهم بخورد چنانچه ما آمده ایم این قانون ظالمانه را میخواهیم اساس قرار

آقا سید یعقوب -- حالا اگر اجازه میفرمائید بگویم بعضی از نمایندگان - بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده عقیده خودم را عرض میکنم در این ماده - همان جور که صحبت کردید يك تبصره در دوره ششم راجع باعزام محصلین گذشت . يك ماده هم در اینجا وزارت معارف آورده که این ماده با آن تبصره بحسب ظاهر تنافی دارد خوبست اجازه بدهید آن تنافی را عرض کنم

بعضی از نمایندگان - بفرمائید آقا . بفرمائید

آقا سید یعقوب - عرض میکنم (آقای معاون وزارت معارف خوبست توجه بفرمائید) آقای یاسائی و اعتبار هم شما که طرفدارید توجه بفرمائید عرض بنده را . نظر ما این است که برای محصلین دارالمعلمین ایران يك مزیتی قائل شویم و اینها نسبت بان محصلینی که اعزام میداریم باید جهت ترفیعی داشته باشند . این مسئله را باید در نظر بگیریم و از آنطرف هم نظر ما باید متوجه مملکت هم بشود و نظری هم باید بکنیم که قانون باید اجرا شود و نظارمان هم باید بان تبصره باشد . پیشنهاد آقای فهیمی در واقع جمع بین همه نظریات است چطور ؟ برای اینکه آن تبصره که بموجب آن باید برتبه سه پذیرفته شوند ندارد که یکسال حقوق بدهند (احتشام زاده - خیر) صبر کنید آقا . دارد که رتبه سه بهش بدهند مطابق قانون استخدام باید ترفی کند و بمجرد اینکه آمد در ایران دولت مکلف است باو رتبه سه بدهد . دیگر ترفیقات او مطابق قانون استخدام است چکار داریم بگوئیم . از مدرسه دارالمعلمین ما که خارج شد یکسال رتبه سه باو میدهیم اگر از عهده امتحانات برآمد سال دوم باو ترفی میدهیم . فرق مابین متعلمینی که از دارالمعلمین ایران بیرون میآیند با متعلمین مدرسه خارجه این است که متعلمین مدرسه خارجه مطابق قانون استخدام کشوری ترفی میکنند ولی در اینجا

ما میگوئیم همینکه یکسال امتحان عملی خودشرا دادرتبه چهار باو میدهیم و ترفی میدهیم پس در اینجا مارعایت این را کرده ایم . این يك مسئله است که بعقیده بنده خیلی عادلانه است و باین طور هم رعایت این را کرده ایم و هم رعایت بودجه را . و هم ترفی نسبت بمتعلمین مدرسه دارالمعلمین عالی ایران قائل شده ایم . حالا آقای احتشامزاده آمدند و بر خلاف نظر بنده فرمایش آقای معتمد را هم نقض کردند و گفتند شاید در طریبعیان و شیمی و تشریح سیر کرده باشد و در ادبیات سیر نکرده باشد بنده عرض میکنم صحبت ما سر ادبیات است سر بحث کردن از تاریخ و بزرگان مملکت است که افراد را نسبت به بزرگان مملکت ایران آشنا و عالم بکنیم تا افراد مملکت دارای غرور ملی بشوند که بدانند این ملت دارای چه اشخاصی قابل بوده است ما میخواهیم ادبیات ما طوری باشد نژاد ایران و بقای نژاد ایرانی باشد بادبیاتش است و بسته به بقای کلمات و زبان و بقای تاریخ است . حالا چهار کلمه فرانسه آوردید و پایمال کردید این فلسفه و غرور ملی را مختارید . (همهجه نمایندگان) غرور ملی را مختارید ؟ آقا ؟ - حالا این يك موضوع . صبر کنید آقا . پس نظر ما این است که هم تبصره را رعایت کنیم تا مطابق قانون استخدام باشد . و هم امتحان عملی کردیم که یکسال در مدرسه بماند بعد از آن اولیای وزارت معارف اگر دیدند عملاً هم از عهده امتحانات خوب برآمد آنوقت ترفیقات باو بدهند و اگر دیدند از عهده امتحانات برنیامد همان چیزی که قانون باو داده (رتبه سه) همان رتبه سه را بهش بدهند پس ما در اینجا جمع بین آن تبصره و این قانون و رعایت بودجه مملکت را که گذارندیم همه چیز را کرده ایم شما توجه بفرمائید امروز بکلیه نظر مجلس و دولت به بودجه است که میزان نوازند بودجه از بین نرود و بمجرد اینکه احساس معارف پروری در اینجا شد میگوئیم همه باید رتبه چهار داشته

باشند با همین که صحبت صحیحه پیش میآید میگوئیم سر کوه البرز هم باید مریشخانه داشته باشیم ولی پول هم لازم است زیرا اولاً و بالذات باید میزان بودجه و عواید خودمان و مخارج ضروری را در نظر بگیریم و آن چیز هائی که زیادی است بعد در نظر بگیریم . این هم يك موضوع . اما موضوع دیگری که فرمودند که لیسانس مدرسه خارجه راهم با رتبه چهار قبول کنیم بنده متأسفانه بر خلاف فرمایش آقای معتمد السلطنه هستم که قبول کردند لیسانسیه های مدرسه خارجه را هم که بعملی میرسند با رتبه چهار پذیرند . زیرا آنها هم که بخارچه رفته اند دولت صد هزار دویست هزار تومان خرج آنها میکند و ماهی هفتاد هشتاد تومان به آنها میدهد ولی اینها ماهی دوازده تومان میدهیم این ها را ما با اینها باخلاق فاضله ایرانی میکنیم بچه مناسبت آنها هم با این ها باید در يك رتبه باشند . پس این فضیلت را برای دارالمعلمین خودمان تصور کردیم تمام شاهکار این است که همین است که يك امتیازاتی برای دارالمعلمین خودمان قائل شویم تا اشتیاق زیاد شود بنده هم موافقم هستم که دولت در نظر دارد از بین بیرون (بعضی از نمایندگان - صحیح است)

معاون وزارت معارف - از آقای آقا سید یعقوب بفرمائید که بعراض بنده توجه بفرمائید ای اینکه به عقیده بنده در يك قضیه انحراف فکر پیدا شده است برای ایشان عرض میکنم در قانون استخدام برای کلید لیسانسیه ها قائل شده که ششماه به ششماه بالا برود تا رتبه چهار . و از آنجا سه سال به سه سال ترفیع پیدا کند . حالا اگر وزارت معارف میخواست معلمین دارالمعلمین مشمول این قانون بشوند لازم نبود که این لایحه را بیاورد . در قانون بودجه هم سیصد و بیست و یک هزار تومان را

يك نظامنامه می نوشت به هیئت دولت و با یکمسیون معارف و آنرا خرج میکرد . این لایحه هم تصویب شده بود و دیگر محتاج باین لایحه نبود . در جلسه قبل هم عرض کردم و تصور میکردم فراموش نشده باشد که بشر از نقطه نظر تعلیم زندگانی برایش چه فکری پیدا میشود چنانکه عرض کردم بشردارای شهوانی است و البته میگرد آن مشی و نقطه نظر که تعالی و ترفی و تظاهر است و تعینات او بیشتر است او را پیدا میکند . این طبیعت هر بشری است . حالا آقا چه نظر دارند شاگردی که میرود به اروپا و تحصیل می کند لیسانسیه میشود شعبه علمی و ادبی را (شعبه علمی يك قدری سخت تر و شعبه ادبی سهل تر است) طی میکند و میرود مدرسه حقوق فردا میآید عضو وزارت خارجه میشود پس فردا سفیر کبیر میشود لباس ملیده دوزی میپوشد . نشانی فلان میزند برایش مارش ملی هم میزنند این يك تظاهرات و تعیناتی است ولی معلم این چیز ها را ندارد معلم باید باصطلاح شب قلم به تخم چشمش بزند پای چراغ به نشیند تا ساعت دوازده مطالعه کند و صبح باید با اشخاص مختلف الفکر ، مختلف العقیده ، مختلف الهوش سر و کله بزند و برای شما آنها را تربیت کند این را نمیشود با آن شغل تطبیق کرد . اگر شما يك مزیتی برای این قائل نشوید بنده که امروز میخواهم بروم تحصیل کنم میروم شعبه ۶ دروا ، تحصیل میکنم . حقوق تحصیل میکنم فردا هم میروم وزارت امور خارجه و همین طور در آنجا میروم بالا . چرا بیایم معلمی بکنم پس آقا در اینجا تصدیق بفرمائید که اگر ما رتبه چهار برای معلمین قائل نشویم در واقع ظلم کرده ایم نسبت باین دسته از مستخدمین خودمان و چون یقین دارم که فکر آقایان برای همین است که شغل معلمی را به آن مقام شامخ و ارجمندی که دارد برسانند یقین دارم که با این نظر دولت هم موافقت میکنند و اما این قسمتی که مذاکره شد که شاید يك معلمی از عهده شغل معلمی بر نیاید این قضیه

پیش بینی شده است در ماده يك معلمی آمد و تحصیلانش هم خوب است ولي عصبانی بود و نمیتوانست معلمی بکند آنوقت ماده بعد معین کرده است که وقتی وزارت معارف دید این شخص را لازم ندارد در سایر ادارات دولتی با شغل رتبه سه بر طبق تبصره قانون قبل بشغل دیگر او را قبول خواهند کرد و این که فرمودید تعادل بودجه از بین می رود این را هم خواستم خاطر آقایان را متوجه کنم که اینطور نیست ما معلمینی که الان داریم در مدارس متوسطه در کلاس يك و دو شصت و هشت تومان حقوق میگیرند تا هفتاد و نه تومان و در کلاس سه چهار از هفتاد و نه میگیرند تا صد و بیست و چهار و در کلاسهای پنج و شش از نود و دو تا صد و چهل و چهار حقوق میگیرند بنا بر این رتبه چهار در تعادل بودجه وزارت معارف ابدأ مؤثر نیست الا این که معلم تربیت شده لیسالیسیه می آید و جای کسانی که شاید آن درجه را ندارند میگیرند و آنها می آیند يك قدری پائین تر و قسمتی که آقا فرمودند بنده دفعه قبل هم عرض کردم ولي چون نظر مجلس را این طور استنباط کردم که شاید نظر آقایان این است که کسانی که در فرنگ هم برای شغل تعلیم و تربیت بالاخص نحصیل میکنند یعنی آن ثلثی که میروند برای تعلیم و تربیت آنها را هم دارای همین مزایا بکنند... (کازرونی - مجلس هرگز موافق نیست) بنده هم بعرض دولت رساندم دولت موافق است... (بعضی از نمایندگان خیر مجلس راضی نیست) (بعضی دیگر - راضی است) زنگ رئیس

معاون وزارت معارف -- در هر حال دولت موافق است حالا مجلس موافق نیست ما مطیع هستیم هر طور آقایان رأی بدهند ما عمل میکنیم .
بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .
رئیس - مذاکرات کافی است ؟

(نمایندگان - بلی)

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود :

پیشنهاد آقای اعتبار

تبصره ذیل را به ماده سه پیشنهاد میکنم :

و هم چنین شاگردانی که اختصاصاً برای فرا گرفتن فن تعلیم و تربیت به اروپا اعزام میشوند از مفاد ماده سه در صورتی که وزارت معارف شایستگی و توانائی آنها را تصدیق نماید میتواند استفاده کند
رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - آقایان بخاطر دارند اوقاتی که ما قانون اعزام محصلین را میگذرانیم در آن قانون مقید کردیم که دولت صد سی و سه از شاگردانی که باروپا میروند برای تعلیم و تربیت بفرستد وقتی که ما آن قید را اینجا کردیم منظورمان همان نظریه بود که امر وزارت معارف میخواهد بهتر تأمین کند یعنی برای این مملکت محسوس است که احتیاج مبرمی به معلم داریم و مخصوصاً در آنجا مقید کردیم که از صد نفر سی و سه نفر برای معلمی باید فرستاده شود وقتی که این منظور هست بعقیده بنده اساساً شاید این سیاست خوب نباشد (خطاب به آقای آقا سید یعقوب حضرت مستطابالوجه بفرمائید) که برای متعلمین خودمان داخلی خارجی قائل شویم یعنی بگوئیم متعلمینی که دراز تحصیل میکنند و بر میگردند مارتبه سه بدهیم ولي معلمی که خود ما تربیت میکنیم رتبه چهار داشته باشد و اگر بفرمائید دارالمعلمین ما بهتر است اینجا ممکن است بگوئیم پس چرا میفرستیم دیگر ؟ اگر دارالمعلمین دارای يك همچو وضعیت و قدرتی است که محصلین را بهتر از اروپا میتواند تربیت کند چرا میفرستیم ؟ وقتی که شاگردان را بازحمت زیاد میفرستیم باروپا و ماهی افلاشمان تومان هفتاد تومان خرج آنها میکنیم و در آنجا با این مبلغ محصلین به سختی زندگی میکنند و کفایت نمیکند این مبلغ

برای زندگی آنها . این را در طهران ماهی دوازده تومان بازده تومان خرج کنیم و این دار المعلمین خودمان را رست بدهیم و شاگرد هم نفرستیم بهتر هم تربیت میشوند ولي بنده گمان میکنم اگر این حرف را ما بزنیم شاید دنیا قبول نمیکند این قضیه را که ما دارای يك همچو رضیقت هستیم و دار المعلمین ما يك طوری شده است که بهتر از اروپا شاگرد میتواند بیرون بدهد در اینصورت بنده فکر میکنم همان مزایائی را که ما برای محصلین دار المعلمین خودمان قائل شده ایم هیچ فرق نمیکند همان مزیت را باید برای شاگردهائی که باروپا میفرستیم قائل شویم . بنده اطلاع دارم موقعی که آن صد نفر را میخواهند بفرستند باروپا و تقسیم میکند وزارت معارف شاگردان را روی استعدادشان که باصطلاح برای چه کاری خوب هستند که در آن قسمت تحصیل بکنند يك عده را که معین میکنند برای معلمی حقیقه خودشان راضی نیستند و وقتی که بدون رضایت آنها آنها را مجبور میکنند که بروند در اروپا تحصیل بکنند فن علم تربیت را این دلیل ندارد که ما بیاییم این جا به آنها بگوئیم که شما رتبه سه بگیرید و آنها را که ما خودمان تربیت میکنیم در دار المعلمین ایران رتبه چهار بگیرند به عقیده بنده صرف نظر از این که ما نمیتوانیم استفاده بکنیم از وجود آنهائی که بفرنگ میفرستیم اساساً يك تبعیض غلطی است و بنده نظرم در این قسمت همان نظر آقای فهیمی بود منتهی يك طور دیگر و اگر چنانچه موافقت بفرمائید همانطوریکه با آنها رتبه سه میدهید باینها هم رتبه سه بدهید من حرفی ندارم غرض این است که تبعیض نشود بنده میگویم يك شاگردی که می رود باروپا تحصیل میکند تشویق ما همین اندازه است که ما با آنها مبلغی پول میدهیم و بهشان کمک میکنیم که تحصیل کنند نظر بنده این بود که همان پیشنهاد آقای فهیمی باشد که آن نظر منظور بنده را هم تأمین میکند که این محصلین را که وزارت معارف برای معلمی در نظر میگیرد وقتی که شایستگی و لیاقت آنها را تصدیق کرد

مخبر - این نظریه که آقای اعتبار پیشنهاد کردند و توضیح دادند برای این که تبعیض نشود در مقام معلمین بنده مخالفتی ندارم اما اگر صلاح میدانند مقام ریاست مقرر بفرمایند پیشنهاداتی که در این قسمت تهیه شده همه را بخوانند که هر کدام که بهتر و جامعتر است قبول شود .

رئیس - مانعی ندارد .

ضیاء - بنده عضو کمیسیون هستم و مخالفم اجازه میفرمائید ؟
رئیس - با پیشنهاد ؟
ضیاء - بلی

رئیس - حالا که به پیشنهاد رای نمیگیریم آقای مخبر تقاضا میکنند تمام پیشنهادات را بخوانیم شاید از بین آنها يك پیشنهاد مناسب تری انتخاب شود
کازرونی - پیشنهاد آقای اعتبار را هم مجدداً بخوانند
رئیس -- ضرری ندارد بسیار خوب تمام پیشنهادات قرائت میشود
[پس از قرائت مجدد پیشنهاد آقای اعتبار پیشنهادات دیگر بترتیب ذیل قرائت شد]

پیشنهاد آقای ناصری

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل به ماده ۳ اضافه شود: شاگردانی که تحصیل علم تربیت و تعلیم را در خارجه تکمیل و باخذ دیپلم لیسانس موفق شدند استثناء نیز با رتبه چهار اداری بخدمت معلمی پذیرفته خواهند شد.

پیشنهاد آقای اورنگ

پیشنهاد میکنم عبارت توقف در يك رتبه بایستی دو سال باشد و پس از دو سال ارتقاء برتبه مافوق باید مدت توقف در يك رتبه تا رتبه شش یکسال باشد.

پیشنهاد آقای فهیمی

پیشنهاد میکنم که ماده سه بطریق ذیل نوشته شود: ماده ۳ - دارندگان دیپلم لیسانس مدرسه دارالمعلمین عالی اعم از مدارس داخلی یا خارجی مشمول مواد ۶۶ و ۶۷ و ۷۳ قانون استخدام کشوری نخواهند بود و دولت مکلف است فارغ التحصیلهای آن مدرسه را با عنوان معلمی بپذیرد و هر کدام بخدمت معلمی مشغول شدند معادل حد اکثر رتبه سه اداری حقوق به آنها بدهند و پس از یکسال در صورتیکه خدماتشان رضایت بخش باشد با رتبه چهار اداری رسماً پذیرفته شوند و هر گاه در ششماه اول خدمتی بآنها رجوع نشد و یا پس از یکسال خدماتشان رضایت بخش نبود از خدمت وزارت معارف معاف و میتوانند در سایر ادارات دولتی مطابق تبصره ماده ۳ قانون اعزام محصلین بخارجه شغل دیگری برای خود تهیه نمایند.

پیشنهاد آقای دشتی

بند پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده سوم ملحق شود: تبصره - تا وقتی که بشغل معلمی مشغول هستند مشمول ماده فوق خواهند بود.

پیشنهاد آقایان دکتر سنک و دکتر ملک زاده

اشخاصی که تحصیلات عالی نمودم و باخذ تصدیق دکتری یا لیسانس نائل شده اند عده سنواتیکه در مدرسه

عالی و سیکل دوم متوسطه تحصیل نموده اند جزء مدن خدمت رسمی آنها محسوب خواهد شد.

پیشنهاد آقای احتشامزاده

پیشنهاد میکنم در ماده سوم بعد از عبارت (دارندگان دیپلم لیسانس مدرسه دارالمعلمین عالی) اضافه شود (و همچنین فارغ التحصیلهای مدارس دارالمعلمین عالی خارجه)

پیشنهاد آقای آقا سید مرتضی وثوق

بند پیشنهاد میکنم از فارغ التحصیل های اروپا هر عده که برای معلمی استخدام میشوند مشمول ماده ۳ این قانون بوده و با رتبه چهار بخدمت معلمی پذیرفته شوند.

پیشنهاد آقای کیا نوری

بند پیشنهاد میکنم که ذیل ماده سه چنین نوشته شود (بدون طی خدمت ابتدائی با رتبه سه اداری بخدمت معلمی بپذیرد)

پیشنهاد آقای عدل

پیشنهاد میکنم تبصره بترتیب ذیل نوشته شود: و همچنین شاگردانی که اختصاصاً علوم تعلیم و تربیت را در اروپا فرا میگیرند از مفاد ماده سه در صورتیکه وزارت معارف شایستگی آنها را تصدیق نماید میتوانند استفاده نمایند.

پیشنهاد آقای روحی

پیشنهاد میکنم که رتبه شش که حد اکثر رتبه ایست که در این قانون برای معلمین قید شده حذف شود.

پیشنهاد آقای فیرز آبادی

بند پیشنهاد میکنم که معلمین مرقوم در ماده سه دارای رتبه سه بوده باشند

معاون وزارت معارف - از مجموع این پیشنهادات بنده پیشنهاد آقای احتشامزاده در صورتیکه کلمه دارالمعلمین را تبدیل کنند به دیپلم لیسانس کافی است با تبصره که

آقای دشتی پیشنهاد فرموده اند و برای این که باز تذکر داده باشم عرض میکنم اگر ما برای محصلین دارالمعلمین عالی که بشغل معلمی قبول میشوند بخواهیم رتبه سه نائل شویم این لایحه اصلاً موضوع نخواهد داشت (صحیح است) و ما آن منظور اصلیمان که میخواهیم دارالمعلمین شاگرد پیدا کند و میخواهیم در آتیه ما معلم لایق داشته باشیم و میخواهیم اشخاص شایق باین مثل شریف بشوند این منظور ما از بین می رود بنده میدانم که فرد فرد آقایان با این نظر کاملاً موافقت کرده اند تشویق شوند و معلمین واقعاً بدانند که چه نظام بزرگی این شغل دارد و اگر شما برای اینها يك رتبه نسبت بسایرین اضافه قائل نشوید در همین جا است که بکلی نقطه نظر معکوس میشود این است که از آقایان شنیدم پیشنهاد میکنم آقایانی که نظرشان این است که رتبه سه بدهند مساعدت فرمایند که از این نظر صرف نظر فرمایند که در این قدم اولی که ما برداشتیم طوری نبود که دماغ اینها بسوزد

رئیس - بنده قاعداً بایستی که این پیشنهادات را یکی یکی طرح کنم و بتوجه و عدم توجه آنها رأی بگیرم و بعد بالاخره تکلیف نهائی از بین آنها معلوم شود ما پیشنهادها را بنظر خودتان ارائه میکنم و آن ماده که میتواند بنظر خودتان نظر مجلس را جلب کند انتخاب کنید شاید از پیشنهادات صرف نظر بشود. اینجا آقای ضیاء يك پیشنهاد دیگری میکنند که عملی تر بنظر می آید ایشان پیشنهاد میکنند مناسب این است (امروز که این قانون نخواهد گذشت) مخبر ارجاع این ماده را به کمیسیون تفاضا کنند و ما از ماده چهار تعقیب کنیم و این ماده در کمیسیون تنظیم شود بعضی از نمایندگان - صحیح است. مخبر - قبول میکنم ارجاع بکمیسیون را.

رئیس -- ارجاع بکمیسیون را قبول کردید؟ مخبر - بلی.

رئیس - ماده چهارم قرائت میشود:

ماده چهارم - وزارت معارف مکلف است فارغ التحصیل های مدرسه دارالمعلمین عالی را در مدارس دولتی اعم از متوسطه یا ابتدائی بخدمت معلمی استخدام نماید و چنانچه پس از مدت ششماه خدمتی بآنها رجوع نگردد در ششماه دوم دولت بآنها حقوق رتبه مذکور در ماده چهار را خواهد داد و هر گاه پس از یکسال استخدام آنها محل حاجت واقع نگردد میتواند برای خود شغل دیگری در سایر ادارات دولتی مطابق تبصره ماده سوم قانون اعزام محصلین بخارجه تهیه نمایند.

رئیس -- آقای فهیمی

فهیومی -- بنده همانطور که اول عرض کردم این ماده يك تناقضی دارد با ماده پیش که تا تکلیف آن ماده معلوم نشود رأی دادن در این ماده مشکل خواهد بود. ملاحظه فرمائید در ماده پیش دولت را مکلف کرده است که فارغ التحصیلها را بدون طی خدمت ابتدائی با رتبه چهار بخدمت معلمی بپذیرد. این عبارت معنایش این است که وقتی از مدرسه بیرون آمدند و دیپلم گرفتند باید دولت رتبه چهار را با اخذ حقوق بآنها بدهد رتبه ابتدائی و غیر ذلك را تمام را موقوف کرده اند و مکلف کرده اند دولت را که از اول بیرون آمدن از مدرسه آنها را رسماً با رتبه چهار بپذیرد در ماده چهار يك مدت استاز یا منتظر خدمت بدون حقوق معین شده است و قائل شده اند که ششماه منتظر باشند که حقوق بآنها داده میشود یا نه در ششماه دوم هم حقوق رتبه چهار داده شود و بعد از یکسال هم داخل خدمت شوند یا خارج شوند در آن قسمت همانطوری که مذاکره شد بنده هم مطابق عقیده آقای معاون اگر بشهوت بشر معتقد نباشم به حسن ارتقاء معتقدم تمام

حسن ارتقاء دارند میخواهند ترقی کنند، حقوق بگیرند اما حد هم میخواهد هر کسی هر چیزی که میخواهد نباید باو داد باید مطابق استفاده که از وجود او میشود یا باندازه کاری که از پیش او میرود اسباب تشویق و ترغیب او را فراهم کنیم يك کسی از مدرسه بیرون آمده است و تحصیلاتش را هم خوب کرده است و از عهده امتحانات هم بر آمده است حالا يك مرحله امتحان دیگری هم دارد و آن این است که به بینیم در عمل چه میکنند و عملاً هم مطابق همان معلومات و تحصیلات که کرده است از عهده بر می آید یا نه در همین موقع امتحان ثانوی يك تشویقی برای او قائل میشویم و او این است که شما که باید از حالا مدت خدمت ابتدائی داشته باشید از حالا حقوق رتبه سه میدهیم آنها هم حد اکثر که تقریباً شصت تومان میشود ما حد اکثر حقوق رتبه سه را بشما میدهیم و اگر یکسال خوب خدمت کردید و خوب از عهده بر آمدید آنوقت رتبه چهار را با حقوق بشما میدهیم بعد هم مطابق قانون استخدام باید درجات دیگر را طی کنید البته این جریانی که در ضمن خدمت پیش می آید نه فقط برای این است که مدتی طول بکشد و يك جریانی پیدا کند بلکه برای این است که در ضمن طی خدمت يك معلومات دیگری را هم فرا بگیرند این که رتبه های بالا را اهمیت میدهند برای این است که در ضمن عمل يك معلومات و تجربیات مخصوصی را یاد بگیرند و الا هر کسی را ممکن است که بگویند دو سال بندو سال ارتقاء رتبه پیدا کند تا برسد برتبه نه ولی خیلی اشخاص هم در رتبه های دیگر هستند و اول هم خوب ممکن است امتحان بدهند ولی چندین سال که بگذرد و به رتبه های دیگر تجاوز کنند معلوم میشود که آفتور که باید از عهده خدمات اداری نمیتواند برآیند برای این اشخاص هم ما همان اندازه همراهی و مساعدتی را که در اول امر قائل میشویم بعقیده بنده خیلی خوب است و هیچ تفاوتی نمیتوان

گذارد مابین آنهايي که در خارجه تحصیل میکنند و آنهايي که در ایران تحصیل میکنند این را هنوز ما نباید منکر شویم که وسائل تحصیلات در مدارس خارجه از این جا کامل تر است و معلمی هم يك شغل خیلی ساده نیست تصور کنیم که هر کس يك درسی را تحصیل کرد کافر است که برود درس بدهد این طور نیست فقط چندانست کافی نیست اگر این طور بود این همه مدارس دار المعلمین در خارجه تاسیس نمیشد پس معلوم میشود شغل معلمی هم مثل شغل مهندسی یا شغل علم فیزیک و شیمی نیست يك معلومات و تخصص دیگر غیر از خود تحصیل لازم دارد که باید معلم بآن متصف باشد تا بتواند از عهده آن شغل برآید و باندازه مدارس فارغ التحصیل باشند که بتوانند کار معلمی بکنند پس وقتی این اشخاص میروند بخارجه و يك تحصیلات در فن معلمی می کنند مقتضی نیست که ما يك مزایای برای محصلین دار المعلمین عالی طهران قائل شویم که آن کسانی که از خارجه آمده اند محروم باشند از آن مزایا و برای اینکه جمع بین هر دو نظر شده باشد با این ترتیبی که بنده قبلاً هم عرض کردم قرار بگذار آنها هم در ردیف این اشخاص باشند و از روزی که آمدند دولت آنها را بشغل معلمی بپذیرد و اگر مدارس بآنها شغلی رجوع کردند که حد اکثر حقوق رتبه سه را به آنها بدهند و اگر رجوع نکردند پس شش ماه آنها را مرخص کند که بروند و در ادارات مطابق تبصره ماده سه قانون اعزام محصلین بخارجه شغلی پیدا کنند و اگر هم قبول شدند بخدمت وزارت معارف که عرض کردم یکسال یا حد اکثر رتبه خدمت کنند و پس از دادن امتحان عملی بارتبه چنانچه اداری آنها را رسماً بخدمت معلمی بپذیرند آنوقت این موضوع هیچ تفاوتی هم بین محصلین داخلی و خارجی گذاشته نشده است و هم برای دولت يك رعایتی شده است که بیخود با اشخاص پول ندهد ولی در این دو ماده تصدیق بفرما

قانون اعزام محصلین برای خودت کار پیدا کن بعد هم در ماده پنج همین قانون نوشتیم هیچک از وزارتخانهها نمی توانند این شخص را بپذیرند خوب وقتی که ما يك شخص را این قسم قید کردیم برای اینکه او را نپذیرند در جای دیگر و برود معلمی کند مگر اینکه معارف باو احتیاج نداشته باشد البته در مقابل این قید مقتضی است که تکلیف او را هم معین کنیم پس ماده سوم این است که میگوید که حتماً دولت باید او را ببرد برای معلمی در ماده چهارم هم میگوید اگر دولت احتیاج باو نداشته تا شش ماه منتظر خدمت است و در ۶ ماه دوم باو حقوق میدهد تا سر سال بعد اگر کاری پیدا نشد که باو بدهد مرخص است و میرود کار پیدا میکند این عدم احتیاج معنایش این است که اگر لایق نبود و با اخلاقتش خوب نبود شایسته معلمی نبود برطبق تبصره قانون اعزام محصلین این آدم دارای رتبه سه باید باشد یعنی برود در يك وزارتخانه کار پیدا کند و با رتبه ۳ اداری می پذیرند معذک اگر هم پیشنهادی هست بفرمائید تا مطالعه و بحث شود

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - در این جا نوشته شده است که فارغ التحصیلهای مدارس دار المعلمین عالی در مدارس متوسطه و ابتدائی بکار مشغول میشوند و معلمی می کنند بنده تصور می کنم يك اشخاصی را که چندین سال زحمت کشیده اند و تحصیل کرده اند و دولت همه نوع امتیازات را برای آنها قائل میشود و نهایت موافقت را با آنها دارد هیچ مناسبت ندارد که آنها بروند و در مدارس ابتدائی بکار گماشته شوند برای اینکه لیاقت و تحصیلات آنها فوق این است که بروند و در مدارس ابتدائی تدریس بکنند بلکه بعقیده بنده و برطبق اصول این کسانی که مدرسه دار المعلمین عالی را طی میکنند باید در مدارس متوسطه بتعلیم و تدریس گماشته شوند نه در مدارس ابتدائی و الان هم در مملکت خودمان کسانی را داریم

که در مدارس ابتدائی تدریس میکنند از عهده هم بر می آیند و بقدر کافی هم هستند و محتاج نیستیم از مدرسه دار المعلمین عالی معلم مدرسه ابتدائی بکنیم و بعقیده بنده يك اشکالی هم هست و آن این است که این جا ما می نویسیم بارتبه چهار اداري مشغول کار شوند یعنی لا اقل ۶۸ تومان حقوق بگیرند ما در مدارس ابتدائی کمتر معلمی داریم یا اصلاً نیست که دارای ۶۸ تومان باشد این است که بنده تصور میکنم اینجا باید کلمه ابتدائی را حذف کرده و فارغ التحصیلهای مدرسه دار المعلمین را فقط برای تدریس و معلمی مدارس متوسطه معین کرد که در آن جا مشغول تعلیم باشد و دولت هم از زحمات آنها استفاده ببرد

معاون وزارت معارف - نظر آقای احتشام زاده صحیح است نظر وزارت معارف هم همین بود ولی برای آن مذاکرانی که قبلاً هم شد دولت کلمه ابتدائی را این جا زیاد کرد . چرا ؟ برای اینکه موقعی که تجدیدی ها امتحان باید بدهند اواخر مهر ماه است و در آن موقع مدارس بکلی کلاس هایش از معلمین پر شده است و تعیین شده است و برای اینکه اینها ششماه بیکار نمانند مدارس ابتدائی را هم علاوه کردند که در ابتدای امر دست وزارت معارف باز باشد و الا وزارت معارف هیچوقت ممکن نیست يك معلم لیسانسیه را که باو نهایت احتیاج را دارد بیاورد و در مدارس ابتدائی معلمی بگمارد این غیر ممکن است ولی از نقطه نظر عمل و برای اینکه دست وزارتخانه باز باشد بعقیده بنده بهتر این است آقای احتشام زاده هم موافقت فرمایند

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - آن ماده سه که بنا بر تقاضای آقای مخبر با پیشنهادات وارده بکمیسون ارجاع شد با این ماده که فعلاً مطرح است مطلب شان یکی است تقریباً . و اگر يك حقیقی هم بین ما ها يك قدری مکشوف تر بشود گمان میکنم ایرادات مربوط باین ماده قدری کمتر

بشود و آن احتیاج آوردن این قانون است بمجلس شورای ملی که چه چیزی سبب آمدن این قانون است بمجلس شورای ملی و چه احتیاجی داشتیم ؟ اولاً ملاحظه فرمایند که شغل معلمی اساساً يك شغلی است که رغبت عامه باین شغل کم است و ادله اش هم زیاد است ... اعتبار - عايش این است که پول نمیدهند .

اورنگ - عرض کردم ادله زیاد است اگر حقوق خوب هم بدهند تشخص زیاد ندارد . اگر بنا باشد ماسه نفر شاگرد بیرون بدهیم هر سه هم کلاس دوازدهم متوسطه را تمام کرده باشند یکی را ببرند بوزارت امور خارجه و یکی دیگر را ببرند بسایر ادارات و شغلی باو رجوع کنند یکی راه ببرند بمدارس متوسطه یا ابتدائی برای شغل معلمی عقیده من این است که هر سه نفر شاگرد ما داوطلب رفتن بادارات هستند و کمتر تن معلمی در میدهند و داوطلب معلمی نیستند عرض کردم ادله زیاد است و محتاج بذکر ادله نیستم حاصل این است که این شغل در نتیجه عمل مشاهده شده است که رغبت بان کمتر است اولاً سر و کله زدن با بچه ها يك چیزی نیست که همه کس شوق داشته باشد و زیر بار این مطلب برود يك حوصله وافی باید باشد که می بگوید «الف» نشان بالا دارد «ب» نشان پائین دارد این يك شغلی است که روح و دماغ مخصوصی میخواهد همه کس نیست که دنبال آن برود و بمرود هم علاوه بر اینکه داوطلب و رغبت داشتن باین شغل کم است علاوه بر این آن تعینات و ترقیات و تشخصات و عناوین و عظمت ها و حیثیت ها و اینها را هم ندارد و فکر بشر هم دنبال این قبیل مسائل است و طبیعت اینجور خلق شده است پس این نظر و نظر باینکه دیدند معلم کم دارند کسی هم راغب نیست آمدند و این قانون را آوردند و يك مزایای برای اینکار قائل شدند که این مزایا سبب جلب و جذب افراد بشود و خاطر ها متوجه باین معنی بشود

و برای این مزایا بیایند و قبول این شغل را بکنند پس برای این منظور آمدند و این قانون را پیشنهاد کردند اما اینکه آقایان در اطراف این دو ماده عرض کردم روح این دو ماده در معنی یکی است يك جزئی را فرستادید بکمیسون که در آنجا اصلاح شود بیاید بمجلس و این جزء دومش را که ماده بعدی است بطرح گردید اساساً هر دو يك حرف را میزند وقتی این را تصدیق کردیم که هر دو يك حرف را در حقیقت می زند می رویم سر اصل مطلب آقای فهیم الملك يك جمله فرمودند که ما بیائیم و قائل شویم که این معلم وقتی آمد که شغل معلمی را قبول بکنند ما احتیاط کنیم یعنی از اول ما فرض کنیم که این آدم از عهده شغل معلمی بر نمیآید یعنی وقتی که داخل شد یکسال باید برش بگذرد شش ماه بر سرش بگذرد تا ضمن عمل ما بفهمیم و به بینیم که این از عهده این شغل خوب بر می آید یا نه اگر بر آمد آخر سال رتبه را بکش میدهم و میگوئیم تو با رتبه چهار مشغول خدمت شو اگر خوب از عهده کارش بر نیامد بهش نمی دهیم این را عرض می کنم که منطق خیلی قوی ندارد چرا ؟ برای اینکه فرض می کنیم يك کسی است مستخدم وزارت داخله است رتبه ۹ دارد یا رتبه ۷ دارد این را ایالت خراسان یا ایالت فلان جا را بهش برضا بدهیم بیائیم و این فکر را بکنیم و بگوئیم چون ممکن است اگر این آدم برود در سر مقر خودش آن جا يك خیانتی مرتکب شود پس از حالا ندهیم این بنظر بنده صحیح نیست . پس چرا ما يك شرایطی این جا وضع بکنیم و روی این شرایط میگوئیم این آدم حق دارد برود در این کار شود آیا وقتی وارد شد در ضمن عمل ممکن است قتل بکند ممکن نیست ؟ ممکن است دیگر . یا يك خیانتی بکند یا جنایتی مرتکب شود یا عملی قبیحی از او سر بزند خوب ممکن است دیگر پس آن جا هم باید این قسم بکنند . این که نمیشود صحیح نیست . بیاینتی را هم ما از حالا قبلاً فرض کنیم که چون

دیگری بشوند که آن روح قابل ستایش است ولی آن را در وقتی عرض نمیکند نه حالا بالجمله...

کازرونی - تازه بالجمله؟ کیا - اینها مقدمه بود

اورنگ - این بود حاصل عرایض بنده راجع بماده چهارم ولیکن در ماده سیم عرایض زیادتری دارم که حالا موقعش نیست و در موقعی که طرح میشود البته عرض میکنم.

جمعی از نمایندگان - کافی است مذاکرات

رئیس - آقای فهیمی یاد آوری می کنند که این ماده درش عبارتی هست که ارتباط دارد بماده سیم و رای گرفتن باین ماده قبل از آنکه بماده سوم رای گرفته شود و تکلیف آن ماده معلوم شود مشکل است (صحیح است) بنا بر این تقاضا میکنند اگر آقای مخبر موافقت بفرمایند این ماده را همینطور نگاه داریم و ماده پنجم مطرح شود (صحیح است)

مخبر - صحیح است چون مربوط است قبول میکنم یکدفعه مطرح و تصویب شود

رئیس - ماده پنجم قرائت میشود:

ماده پنجم - دولت نمی تواند فارغ التحصیل های مدرسه دارالمعلمین را تا موقعی که وزارت معارف بآنها احتیاج دارد در هیچیک از ادارات خود بخدمت بپذیرد
رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این جا بعد از آنکه در ماده سه و چهار مادولت را مکلف کردیم که باید آنها را بشغل معلمی بگمارد دیگر نوشتن ماده پنجم لزومی ندارد و این معنی است و بنده عقیده ندارم. چرا؟ چون دولت مکلف است و ما دولت را در مقام خلاف تکلیف خودش در مقام سؤال درمی آوریم و بعقیده بنده همان مواد سه و چهار کافی است چون اگر ما کسانی باشیم که دولت را در خلاف کردن خودش باز در مقام سؤال واستیضاح در بیاوریم که باز از همان ماده سوم و چهارم میشود این معنی را فهمید و دیگر

کجا نمیکند ماده پنجم محتاج الیه باشد و زائد است بعقیده بنده

ضیاء - این ماده درست است و الا نقض غرض می شود.

معاون وزارت معارف - باید دانست از نقطه نظر آقای آقا سید یعقوب دولت کیست؟ دولت عبارت است از هیئت دولت و وزارتخانهها یک عضو دولت هم وزارت معارف است یک عضو دولت هم وزارت خارجه است ممکن است وقتی که یک نفر لیسانسیه از مدرسه دارالمعلمین عالی بیرون آمد فوراً او را وزارت امور خارجه استخدام کند از معامی ببرد پس اینجا گفتیم تا وقتی که وزارت معارف احتیاج دارد هیچیک از وزارتخانهها نمیتوانند این کار را بکنند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - کافی است؟

گفتند - بلی

رئیس - موافقین باماده پنجم قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ششم قرائت میشود:

ماده ششم: وزارت معارف نظامنامه این قانون را تهیه نموده و مامور اجرای آن نیز خواهد بود

رئیس - مخالفی ندارد؟

آقا سید یعقوب - چرا بنده مخالفم. عرض دارم

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - در اینجا اگر چه حالا ما سهل گرفتیم نسبت بعملیات دولت در هر مسئله ولی این جا نوشته است نظام نامه را می نویسند و باز آن مسائلی است که آقایان اگر در نظر داشته باشند که بنده عرض میکردم و آقایان اگر در خاطرشان باشد ما همیشه دولت را مکلف میکردیم که نظامنامهها را

را بیاورد در کمیسیون مربوط بقانون و لا اقل اگر مجلس نمی آوردن بکمیسیون ببرد و حالا هم خوبست در این جا آقایان موافقت بفرمایند و این نظر را در این جا هم تامین کنند و نوشته شود نظامنامه را با نظر کمیسیون معارف بنویسند که نظر اعضای کمیسیون معارف مجلس هم در این جا باشد این استدعای بنده است در این ماده که اگر قبول کردند بنویسند نظامنامه باشتراك کمیسیون معارف نوشته میشود

معاون وزارت معارف - البته تصدیق میفرمائید که نظامنامه این قانون چیز خیلی مهمی نیست معهذا اگر نظر مجلس شورای ملی این است که با موافقت نظر کمیسیون معارف باشد بنده مخالف نیستم بنده از نمایندگان - کافی است

رئیس - آقای افسر مخالفید؟

افسر - عرایض بنده گفته شد

رئیس - آقای زوار

زوار - بنده موافق هستم

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - عرضی ندارم

عدل - کافی است مخالفی ندارد

رئیس - رأی میگیریم بماده ششم...

آقا سید یعقوب - با آن اصلاحی که قبول کردند.

رئیس - پیشنهاد باید مکتوب باشد. آقای اعتبار

نرمایشی داشتید؟

اعتبار - آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد نکردند که آقای معاون وزارت معارف قبول بکنند و بعقیده بنده هم موردی ندارد برای اینکه نظامنامه که وزارت معارف برای این قانون مینویسد چیز مهمی نخواهد بود از نظر اجرا و ما در اینجا اگر بخواهیم این کار را بکنیم شاید یک مورد

مهم تر دیگر را اصلاً از نظر دور کنیم. باید اصلاً موارد را از هم تفکیک کرد و در این جا مورد ندارد چون نظامنامه آن چندان مهم نیست که با نظر کمیسیون باشد آقا سید یعقوب - بس است آقا بس است. این قدر دولت را کمک نکنید - خدا عمرت بدهد بس است

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب:

پیشنهاد میکنم که باشتراك کمیسیون معارف باشد (دو سه نفر از نمایندگان - چه چیز؟)

رئیس - مقصود تنظیم نظام نامه است.

آقا سید یعقوب - بلی

رئیس - نظر آقای مخبر چیست؟

مخبر - اگر چه غالب نظام نامه هائی که برای قوانین نوشته میشود یک اشکالاتی را ایجاد میکنند و یک تعبیرانی میکنند برخلاف نظر مجلس و ابداً مجلس راضی نیست بآن تفسیر و تعبیر ها ولیکن این قانون از آن قوانین نیست و خیلی چیز مختصری است و خیال نمی کنم لازم باشد که نظامنامه آن بنظر کمیسیون معارف باشد ولی معذک کمیسیون مخالف هم نیست که نظامنامه با نظر کمیسیون نوشته شود
رئیس - بنا بر این هم مخبر می پذیرند هم دولت. رأی میگیریم بماده ششم بالحق جمله پیشنهادی آقای آقا سید یعقوب آقایان موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده الحاقیه پیشنهادی آقای احتشام زاده قرائت میشود:

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم: فارغ التحصیل های مدرسه دارالمعلمین عالی مکلفند لا اقل مدت ده سال در مدارس مشغول تدریس باشند مگر آنکه وزارت معارف با اشتغال آنها بمشاغل دیگر موافقت نمایند و در اینصورت در بدو ورود بخدمت رتبه ۳ اداری را دارا خواهند بود

احتشامزاده -- در لایحه پیشنهادی دولت را مکلف کرده است که فارغ التحصیل های مدرسه دارالمعلمین عالی را بشغل معلمی بپذیرد ولی شاگرد های آن را مکلف نکرده است که حتماً به شغل معلمی مشغول باشند. اینکه این امتیازانی که برای آنها پیش بینی شده است و کمک خرجهایی که میدهند بانها وزجانی که دولت میکشد برای این است که این آقایان وقتی تحصیلاتشان را تمام کردند در مدرسه مشغول معلمی باشند و احتیاج وزارت معارف را از قسمت معلمی کم کنند و چون در ماده الزامی برای محصلین نبود بنده اینماده را پیشنهاد کردم که شاگرد ها مکلف باشند پس از تکمیل تحصیلات لااقل دهسال در مدارس مشغول تدریس باشند مگر اینکه وزارت معارف اشتغال آنها را بکارهای دیگری موافقت کند چون ممکن است يك کسانی دارالمعلمین عالی را طی کنند ولی اخلاقاً مستعد برای تدریس نباشند در اینصورت ممکن است دولت اشتغال آنها را بکار دیگری نافع تر و بهتر بداند وزارت معارف هم موافقت بکند که بروند در جای دیگر کار کنند در این صورت البته امتیازی را که برای شغل معلمی قائل شدیم که فارغ التحصیل های دارالمعلمین عالی رتبه چهار را دارا باشند این امتیاز آنوقت از آنها سلب میشود قهراً و باید مثل فارغ التحصیل های سایر مدارس عالی که برای کار دیگری میروند از حد لیسانس بیالا رتبه سه اداری را دارا باشند این بود عقیده بنده و برای اینکه این قضیه روشن باشد که آنها مکلف بکار معلمی باشند بنده این

پیشنهاد را کردم و لازم است .

معاون وزارت معارف - دارالمعلمین عالی بطوریکه که اسمش حکم میکند و بموجب نظامنامه که دارا شاگردانش قبلاً ملزم بشغل معلمی هستند این تعهد را میکنند و وارد در تحصیل میشوند اگر نشوند که آنوقت دارالمعلمین نیست دیگر (صحیح است) و این معنی ندارد و این قانونی را هم که ما می آوریم فایده ندارد که هر شاگردی بمیل خود باشد خیر هر محصلی بدو ورود ملزم است که حتماً شاغل شغل معلمی بشود در همین خط تربیت بشود پس این منظور تأمین است و بعلاوه يك جزء از نظر آقای احتشام زاده را پیشنهاد آقای دشتی تأمین میکند که قبول کردیم و میرود بکمیسیون و پس از مذاکره در کمیسیون نظر آقای هم تأمین خواهد شد

احتشام زاده -- اگر نظر بنده تأمین شده است پس میگیرم

[۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس -- خوب ما میبایستی که منتظر خبر کمیسیون در ماده سوم و چهارم شویم بنا بر این پیشنهاد هم شده که جلسه را ختم کنیم (صحیح است) آقایان اگر موافقت بفرمایند جلسه آینه پنجشنبه ۲۱ آذر ماه سه ساعت قبل از ظهر دستور بقیه مذاکرات امروزه (صحیح است)

[مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد]

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر